

بازپرداخت وام های قبلی

✕ در بسته سیاستی خروج غیرتورمی از رکود، دولت محترم تأکید دارد نقدینگی مورد نیاز بنگاه های تولیدی را بدون گشایش خطوط اعتباری جدید ازسوی بانک مرکزی (ثابت نگه داشتن پایه پولی) و بدون افزایش ضریب فزاینده پولی، تأمین کند.

✕ برای تأمین منابع مورد نیاز این تصمیم، دولت قصد دارد بخشی از بدهی اش به شبکه بانکی را بازپرداخت نماید. در مرحله بعد، مبلغ بدهی تسویه شده مذکور، با کسر درصد ذخیره قانونی آن، در قالب تسهیلات جدید به بنگاه ها پرداخت خواهد شد. این وام بلافاصله سپرده های بانکی را افزایش خواهد داد. افزایش سپرده های بانکی، قدرت وام دهی بانک ها را افزایش خواهد داد و مجدداً در دور بعدی سپرده و وام بعدی و تولید خواهد شد.

یک مثال

اگر نرخ ذخیره قانونی ۲۰ درصد باشد، با هر ۱۰ هزار ریال موجودی اسکناس در شبکه بانکی، ۵۰ هزار ریال سپرده، ۱۰ هزار ریال ذخیره و ۴۰ هزار ریال وام ایجاد خواهد شد.

حال چنانچه در دوره بعد، بخشی از وام پرداختی، مثلاً ۱۰ درصد آن تسویه شود، میزان وام های باقی مانده ۳۶ هزار ریال، سپرده ها، ۴۶ هزار ریال و ذخایر بانکی ۱۴ هزار ریال خواهد شد. در پایان این مرحله نسبت ذخایر به ۳۰ درصد افزایش یافته است.

شبکه بانکی مبلغ وام های تسویه شده مذکور را (۴ هزار ریال) می تواند به صورت تسهیلات در اختیار بنگاه های تولیدی قرار دهد. با پرداخت این مبلغ، سپرده های بانکی در مرحله نخست، به همین میزان افزایش خواهند یافت. افزایش سپرده ها، قدرت وام دهی مجدد شبکه بانکی را افزایش خواهد داد. با ۴ هزار ریال سپرده جدید، شبکه بانکی قادر خواهد بود ۱۶ هزار ریال سپرده و ۱۲.۸ هزار ریال وام جدید خلق کند.

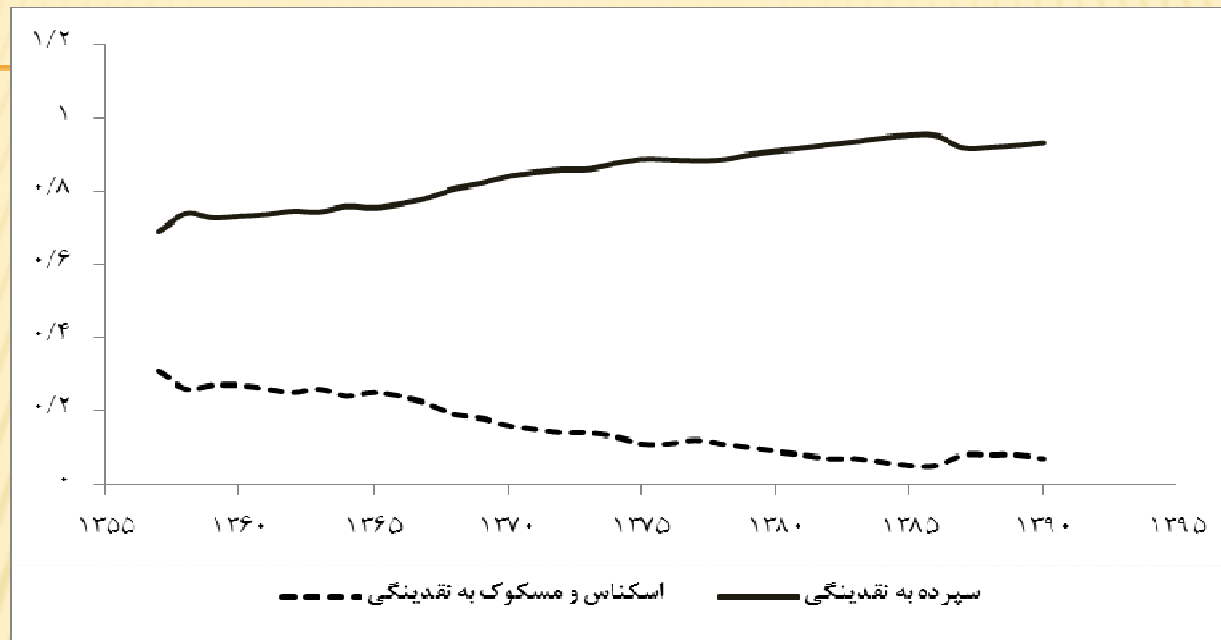
پس از پایان این مرحله شبکه بانکی توانسته است ۶۶ هزار ریال سپرده، ۵۲ هزار ریال وام و ۱۴ هزار ریال ذخیره ایجاد نماید! بدون اینکه پایه پولی و یا ضریب فزاینده افزایش یافته باشد!

✘ اما براساس نظریه متعارف، انتظار ما این بود که بدون افزایش پایه پولی و یا ضریب فزاینده، شبکه بانکی از هر ۱۰ هزار ریال مانده واقعی، حداکثر از سقف ۵۰ هزار ریال سپرده، ۴۰ هزار ریال وام و ۱۰ هزار ریال ذخیره قانونی فراتر نرود!

✘ هربار ادامه عملیات تسویه وام های قبلی و استفاده از آن ها برای خلق وام جدید، به افزایش سپرده ها، وام ها و نقدینگی منتهی خواهد شد، بدون اینکه پایه پولی و یا ضریب فزاینده افزایش یافته باشد!

✘ حتی اگر شبکه بانکی، مبالغ دریافتی حاصل از وام های تسویه شده را برای مخارج جاری خود هزینه نماید، باز مجدداً مبالغ مذکور در قالب سپرده های جدید، قدرت خلق وام بانکی را افزایش خواهد داد، بدون اینکه پایه پولی و یا ضریب فزاینده افزایش یابند!

دو نسبت مهم



- این نمودار نشان می دهد که سهم سپرده ها در کل نقدینگی از ۶۸٪ در سال ۵۷ به ۹۱٪ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در سال ۱۳۹۰ سهم پول در نقدینگی تنها ۷٪ بوده است. اگر این وضعیت ادامه یابد، در آینده نزدیک، یعنی در کمتر از ۱۰ سال، نسبت پول به نقدینگی به صفر خواهد رسید! این همان قانون گرشام است!

قانون گرشام

• «پول بد، پول خوب را از جریان خارج می کند». با مطالعه تاریخ

پول و بانکداری، درخواستیم یافت که عمل صرافان در گذشته های دور باعث شد طلا و نقره (پول خوب) از گردش جمع شود و به جای آن و البته چندین برابر بیشتر، پول های تحریری و اسکناس (پول بد) رایج شود. عمل بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی نیز همین قاعده را اجرا می کند، اما این بار اعتبار را بعنوان یک پول بد، جایگزین اسکناس و مسکوک بعنوان یک پول خوب می نماید. نظام بانکی، اسکناس و مسکوک را از گردش خارج و به جای آن و البته چندین برابر بیشتر، پول اعتباری را در جریان وارد می کند.

تفاوت بین وام بانکی و وام غیربانکی

خلق پول و خلق درآمد

خلق پول = درآمد

خلق پول و نقش وکالتی بانک ها

✕ برخی اندیشمندان اقتصاد اسلامی معتقدند، بانک به عنوان وکیل ازسوی سپرده گذاران، وکالت می یابد تا مبالغ آنها را در پروژه های سرمایه گذاری هزینه نماید و پس از پایان سرمایه گذاری، سپرده هایشان را همراه با سود علی الحساب احتمالی به آنها بازگرداند.

✕ اما نظام بانکی متعارف درفرایند خلق پول، قادرخواهدبود کلیه سپرده هایی که به عنوان وکیل دریافت می نماید را به مالکیت خود درآورد.

نتیجه اول

✕ وقتی شبکه بانکی بدون افزایش ضریب فزاینده و یا افزایش پایه پولی، بتواند نقدینگی را افزایش دهد، این معنایش آن است که در شرایط بانکداری متعارف، سیاست پولی که عبارت از مدیریت و کنترل حجم پول، متناسب با مقاصد سیاست گذاری است، بی معناست!

✕ نقدینگی خودافزا است!

نتیجه دوم

خلق پول باعث محدودش شدن نقش وکالتی بانک خواهد شد و توزیع درآمد را به صورت ناعادلانه برهم می زند.

از این نظر، عملیات خلق پول بانکی با اقتصاد اسلامی سازگاری ندارد.

نتیجه سوم

✘ عقود اسلامی مانند مضاربه، جعاله، مزارعه، بیع نسیه، قرض الحسنه و در نظریه اقتصاد اسلامی کاملاً درست طراحی و پیشنهاد شده اند و با استفاده از آنها می توان چرخه حرکت مثبت اقتصادی را تسریع نمود.

✘ اما اشکال وقتی ایجاد می شود که خواسته باشیم عقود مذکور را در قالب نظام بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی، اجرا نماییم.

✘ در نظام بانکداری متعارف، عقود مذکور، نتیجه غیراسلامی تولید می کنند

✕ برای کنترل تورم، باید پول و نقدینگی را کنترل نمود

✕ ولی به لحاظ نظری نظام بانکداری متعارف نمی تواند پول را

کنترل و مدیریت نماید

✕ لذا برای کنترل تورم، «اصلاح نظام بانکی به سمت خلع

تدریجی قدرت خلق پول»، مهمترین پیشنهاد است.

در این مقاله استدلال نمودیم که حجم پول و یا نقدینگی در شرایط بانکداری متعارف، غیرقابل کنترل و خودافزا است. اقتصاددانان مختلفی درخصوص آثار منفی خلق پول مطالعه نموده و برای حل معضل مذکور پیشنهاد ارائه داده اند

اما موضوع ارائه شده در این کنفرانس (غیرقابل کنترل بودن نقدینگی در شرایط بانکداری متعارف)، برای اولین بار بحث می شود و قبل از این، مورد توجه و بررسی اقتصاددانان قرار نگرفته است.

و السلام عليكم و رحمه الله و بركاته